



## Correction of Manuscripts and Familiarity with Master Ali Akbar Ghaffari's Method in Correcting Hadith Texts

Mahdi Izadi<sup>1</sup>  
Haniyeh Sadeghi<sup>2\*</sup>

### Abstract

This research, with descriptive-analytical method, examined the issue of manuscript correction in a general view and then explained the corrector method of Ali Akbar Ghaffari (1924-2004) in correcting Hadith texts. The findings and results of the research showed that he does not accept the point of view of the correctors who consider the age of the copies as a criterion. Therefore, he based his correction method on finding the most correct version and prioritized the version with signature (base). In this regard, he tried to find multiple versions of the same text. In some cases, to find the correct copy, he referred to other sources left by the owner of the copy. Also, paying attention and referring to the main sources, including the Holy Quran, Shia and Sunni hadiths, interpretations, opinions of experts in the field of hadith, religious scholars, interpretation, jurisprudence and other experts were other criteria for finding the correct version. It should be noted that although critical corrections have been made, they are not included in the main text, but in a footnote, and the most important reason is to comply with moral and religious issues and avoid wasting copies.

### Keywords

The Correcting Method Ghaffari, Corrector of Hadith Texts, Signed Version (basic).

### Article Type: Promotional

1. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: izad@isu.ac.ir.

2. Responsible Author, PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: hony.sadeghi@yahoo.com

Received on: 09/05/2023 Accepted on: 12/09/2023

Copyright © 2023, Izadi & Sadeghi





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵  
شماره مجله: ۲۵۸۸-۲۴۱۷

# مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.18744.2255

## تصحیح نسخ خطی و آشنایی با روش علی اکبر غفاری در تصحیح متون حدیثی

مهدی ایزدی<sup>۱</sup>  
حانیه صادقی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا در یک نگاه کلی، مسأله تصحیح نسخ خطی را بررسی می‌کند و سپس به بیان روش مصحح علی اکبر غفاری (۱۳۸۳-۱۳۰۳ ش) در تصحیح متون حدیثی، همراه با ذکر نمونه‌هایی می‌پردازد. آشنایی با روش تصحیح یک مصحح، هم‌زمان با در نظر داشتن روش کلی تصحیح، ضمن این‌که دانش، مهارت، اولویت و علاقه یک مصحح را آشکار می‌نماید، زمینه‌ساز پژوهش‌های دیگر، در شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های روش مصححان است. یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد، وی دیدگاه آن دسته از مصححان که ملاک قرار گرفتن نسخه‌ای در روند تصحیح را صرفاً قدمت آن می‌دانند، نمی‌پذیرد. از این‌رو، روش خود را در تصحیح بر اساس یافتن صحیح‌ترین نسخه، پایه‌گذاری کرد و یافتن نسخه مجازها را در اولویت قرار داد. در همین راستا، درصدد یافتن نسخه‌های متعدد از یک متن برآمد و حتی گاهی برای یافتن اصح نسخ، به منابع دیگری که از صاحب نسخه بر جای مانده بود، نیز مراجعه نمود. علاوه بر این، توجه و مراجعه به مصادر و منابع اصلی مانند قرآن کریم، جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، تفاسیر، شروح، دیدگاه متخصصان در زمینه حدیث، رجال، تفسیر، فقه و سایر اهالی فن، ملاک‌های دیگری برای یافتن اصح نسخ در نزد غفاری بود. لازم به ذکر است هرچند وی به تصحیح اجتهادی نیز پرداخت، ولی نه در متن اصلی، بلکه در پاورقی‌ها می‌توان آن‌ها را یافت که مهم‌ترین دلیلش، رعایت مسائل اخلاقی و شرعی و نیز جلوگیری از هدررفت نسخه‌ها بود.

### کلیدواژه‌ها

روش تصحیح استاد غفاری، مصحح متون حدیثی، نسخه مجاز.

### نوع مقاله: ترویجی

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. izad@isu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hony.sadeghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

## ۱. طرح مسأله

هدف از پرداختن به دانش و فنّ تصحیح متون خطی به‌ویژه در عرصه منابع اسلامی، یافتن صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین نسخه به متن و منبع اصلی است. در این راستا کشف و استخراج شیوه عمکرد محققان و مصححان علاوه بر این که نشانگر اهتمام آنان در دست‌یابی به متون اصلی است، باعث فراهم‌شدن خوانش جدیدی از متون حدیثی و اسلامی نیز می‌شود؛ زیرا تفاوت‌ها در اتخاذ روش‌های تصحیح متون به تفاوت‌ها در نوع متن اشاره دارد. به عنوان نمونه، اگر مصحح با متنی حدیثی مواجه باشد، نباید از او انتظار داشت روشی را در تصحیح متون حدیثی پیش بگیرد که سایر مصححان متون ادبی بر آن پافشاری می‌کنند یا آن را مناسب‌تر می‌دانند.

به منظور توصیف و شناسایی رویکرد و روش یک مصحح، در ابتدا آشنایی با روش‌های مورد اتفاق تصحیح نسخ خطی ضروری است. درک حاصل از این مسأله باعث می‌شود تا پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه تصحیح متون حدیثی به حساسیت کار تصحیح پی برده و در شناخت روش‌های موجود، با توجه به نوع متنی که در پیش روی خود دارند، اقدام به عملیات تصحیح نمایند و میان متن غلط و درست یا درست و درست‌تر تفکیک قائل شوند. بر همین اساس و با توجه به روش علی‌اکبر غفاری در امر تصحیح می‌توان گفت، عدم توجه به تفاوت متون حدیثی با سایر متون، همچون نسخ خطی ادبی، باعث می‌شود بسیاری از منابع، فاقد ارزش کافی برای عملیات تصحیح باشند و یا با شیوه و روشی مورد تصحیح واقع شوند که سزاوار آن نیستند و در نهایت مخاطبین این منابع ارزشمند و ذی‌قیمت به درستی از آن بهره‌مند نشوند.

در بررسی پیشینه این مقاله، پژوهش‌های انجام گرفته در دو محور قابل بررسی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

الف- کتب و مقالاتی که به طور کلی به بررسی، شناسایی، راهنمایی، فهرست‌نویسی و تصحیح نسخ خطی پرداخته‌اند: (مایل هروری، ۱۳۷۹ ش، ۳۳۱-۵۱۰؛ افشار و صفری، ۱۳۹۰ ش، ۱۵-۴۹؛ جهانبخش، ۱۳۹۰ ش، ۱۳-۶۹؛ شبیری، ۱۳۷۹ ش، ۶۱-۳۸-۴۹).

ب- مقالاتی که در آن به بررسی ملاک‌های تصحیح نسخ خطی اسلامی از نظر مصحح علی‌اکبر غفاری پرداخته شده است: (ایزدی مبارکه و منتظری، ۱۳۸۴ ش، ۱۲: ۱۵۱-۱۷۰؛ غروی‌نابینی، ۱۳۸۴ ش، ۱۲: ۳۳-۵۱؛ منتظری، ۱۳۸۷ ش، ۴-۵۶).

آن‌چه پژوهش حاضر را متفاوت از سایر مطالعات انجام شده قرار می‌دهد، ارائه اجمالی تعاریف، ضرورت‌ها، اقسام، روش‌ها و مراحل تصحیح نسخ خطی همزمان با

بیان آن‌ها از منظر علی اکبر غفاری است، تا رویکرد، روش و شاخصه‌های تصحیح این مصحح در چگونگی تصحیح متون حدیثی آشکارتر شود.

## ۲. معنای تصحیح

از جمله پیش‌نیازهای فهم حدیث، یافتن متن صحیح و عاری از هرگونه عیب و نقص است (نفیسی و افسردیر، ۱۳۹۷ش، ۱: ۱۳۳). در تعریف تصحیح آمده است، اگر کتاب و حساب دارای اشتباه باشد، آن را اصلاح می‌کنند (ابن منظور، بی‌تا، ۲: ۵۰۸) یا اگر خبری داده شود، به برطرف کردن خطا یا نقص آن مبادرت می‌ورزند (نجار، ۱۹۸۹م، ۱: ۵۰۷). معین در فرهنگ واژگان فارسی نیز با بیان این‌که درست کردن غلط‌های نوشته‌ای تصحیح نام دارد، تلاش برای رساندن متن به اصل یا نزدیک به اصلش را نوعی فن می‌داند (معین، ۱۳۵۶ش، ۱: ۱۰۹۰).

یک مصحح می‌کوشد تا براساس آنچه از نسخه‌های خطی در دست دارد، یک متن کهن را بازسازی نموده و برای پژوهشگران قابل استفاده نماید. از این جهت است که انتخاب متن مناسب برای عملیات تصحیح، با موجود بودن نسخه اصل و یا عدم وجود آن و نیز میزان اعتبار نسخه‌های کتاب، ارتباط محکمی دارد. در صورتی که چنین دسترسی برای مصحح وجود داشته باشد، تا جایی که امکان دارد، نباید آن نسخه اصل را نادیده بگیرد. منظور از نسخه اصل، نسخه‌ای است که به خط مؤلف نوشته شده و یا او آن را املا نموده و کاتب مطمئن و قابل اعتماد آن را نوشته است و یا این‌که نسخه‌ای است که مصنف خودش آن را تصحیح کرده و یا بر مؤلف خوانده شده است. به عبارت دیگر تأیید صحت همه‌جانبه آن از سوی مؤلف، ضمیمه نسخه باشد (شیری، ۱۳۷۹ش، ۳۹).

لازم به ذکر است که میان تصحیح متن با ویراستاری متون تفاوت وجود دارد. یک ویراستار به دنبال رعایت قواعد صحت املا و انشای کلمات و در برخی موارد توجه به نکات بلاغی است؛ اما یک مصحح با توجه به اصول و قواعد نسخه‌شناسی و چگونگی کشف نسخه اصیل از نسخه‌های غیر اصیل است. او از ملاک‌های تصحیف<sup>۱</sup> و تحریف

۱. آنچه در معنای تصحیف به نظر دقیق‌تر می‌آید عبارت است از: «تغییر در واژگان سند یا متن حدیث، به لفظی که در خط و شکل با آن سنخیت دارد» (استرآبادی، ۱۳۸۸ق، ۸۰، ۸۱). زیرا تصحیف‌کننده برخلاف تحریف‌کننده، قصد تغییر معنا را ندارد و مثال‌های حدیث پژوهان، در حدیث مصحف مانند تصحیف «برید» به «یزید» و مانند آن، نشان می‌دهد که بین واژه تصحیف‌شده و واژه اصلی، تناسبی وجود دارد (دلبری و دیگران، ۱۴۰۱ش، ۱۶۱-۱۶۲).

و مواردی از این دست، یاری می‌جوید؛ زیرا قواعد صحت لفظی یا معنوی تنها به عنوان راهی برای کشف نسخه اصل مطرح است (همان، ۳۹-۳۸).

کار یک ویراستار در عصر حاضر در قیاس با عملیات تصحیحی که قدما انجام می‌دادند و اکنون نیز بر همان اساس، به وسیله مصححان معاصر دنبال می‌شود، متفاوت است؛ زیرا کار یک ویراستار این است که به اصلاح غلط‌ها و اشتباهات نگارشی موجود در متن بپردازد، در حالی که یک مصحح می‌کوشد، متنی را بر اساس آنچه در گذشته‌های دور به عنوان نسخه اصلی مؤلف مورد توجه بوده است و اکنون نیز مطالب چندانی از آن باقی نمانده است، بر پایه سایر نسخه‌ها و یا کهن‌ترین آن‌ها بازسازی نماید.

## ۱-۲. تصحیح از منظر علی‌اکبر غفاری (۱۳۸۳-۱۳۰۳ ش)

پس از بررسی و جستاری در آثار علی‌اکبر غفاری و مصاحبه‌های انجام شده توسط مراکز پژوهشی و مؤسسات تحقیقاتی با ایشان می‌توان گفت، تصحیح از دیدگاه وی، گونه‌ای «توسعه یافته» از کار تصحیح است. تصحیح در این معنا در برابر معنای ابتدایی آن قرار دارد و محدود به مقابله متن با نسخ خطی و اصلاح اغلاط موجود در متن نمی‌شود؛ بلکه شامل مقابله و اصلاح متن از روی نسخه مجاز، درج حواشی و تعلیقات، مقدمه و مؤخره‌نویسی، اعراب‌گذاری و فهرست کردن اعلام، تعیین عدد احادیث، شرح مطالب غامض، بهره‌گیری از کتب هم‌راستا با متن حدیثی است. لذا این اضافات، از جمله مواردی محسوب می‌شود که می‌تواند تصحیح در نزد ایشان را، دارای معنای وسیع‌تر نسبت به آنچه در نزد عرف مصححان متداول است، نماید (منتظری، ۱۳۸۷ ش، ۴۸).

## ۲-۲. ضرورت و جواز تصحیح

امام صادق (ع) خطاب به یکی از اصحاب خود فرمود: «سخن ما را به روشنی بیان کنید. زیرا ما مردمی فصیح هستیم» (کلینی، ۱۳۷۹ ش، ۵۲). گروهی از محدثان مشهور و متقدم نیز تصحیح الفاظ حدیث را جایز می‌دانند (خطیب بغدادی، ۱۴۰۹ ق، ۲۲۹). در این راستا علی‌اکبر غفاری معتقد است، یکی از خطرناک‌ترین آسیب‌های چاپ متون دینی کهن، از سمت ناشران مذهبی، نشر و ترویج معارف نادرست است؛ زیرا آنان بدون توجه به تصحیح نسخ خطی و در نظر گرفتن دینی بودن این متون، به انتشار نسخ خطی مبادرت ورزیده‌اند (غفاری، ۱۳۶۵ ش، ۲۷: ۱۰-۳). وی با چنین رویکردی

بازداشتن مردم از کسب معارف غلط، اخلاق نادرست و احکام تحریف شده) و با هدف انتقال احادیث به صورت درست و آسان، کار تصحیح متون حدیثی کهن را با جدیت دنبال نمود.

همان‌گونه که نباید سخنی را بدون سماع به نبی مکرم (ص) اسناد داد، نباید سخنی را که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد، به معصوم (ع) نسبت داد. به عبارت دیگر، کتب حدیثی را که با نسخه مصحح استاد (نسخه مجاز)، مقابله نشده است نمی‌توان به صرف انتشار توسط شخص یا مؤسسه‌ای و بدون ضمانت صحت کتاب، یا بدون صلاحیت ناشر، متنش را بازگو و نقل نمود، چه برسد به این که مستند حکم الزامی (وجوب و تحریم) و یا هرگونه حکم دیگری قرار گیرد؛ زیرا در کتب چاپی و نسخ خطی (بدون مقابله) صدها اشتباه وجود دارد که پس از مقابله مشخص می‌شود. بنابراین، با این علم اجمالی نمی‌توان حکمی را به استناد این که نوشته‌ای (کهن یا خطی) در دست داریم، به معصوم نسبت داد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۲ ش، ۱۵۱).

علی اکبر غفاری در مقدمه‌اش بر تصحیح کتاب «کافی» توصیه‌ای برای مصححان دارد مبنی بر این که، هرگز از پرسش درباره حدیثی که احتمال خطا و اشتباه در آن می‌دهند، خودداری نکنند و از افتادن به ورطه اصلاح حدیث بر اساس سلیقه و نظر شخصی پرهیزند. وی در ادامه با ذکر سخنی از امام صادق (ع) که نپرسیدن را سبب هلاکت مردم می‌دانند، بر ضرورت استفاده از روش درست و معرفت به آن، تأکید نموده است (کلینی، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۴۰).

در این دیدگاه، روند مشهور و مورد قبول این است که حتی اشتباهات و غلط‌های شنیده شده و دریافتی از سوی راوی و سند حدیث (نسبت به متن) باید به شکل اصلی‌اش نقل شود؛ زیرا این مسأله در میان محدثان مذهب شیعه مفروض است که نبی مکرم (ص) و ائمه (ع) هرگز سخن و حدیثی را به اشتباه و غلط نقل ننموده‌اند، پس اگر غلطی مشاهده شود، بدون تردید از سوی برخی از راویان بوده است که در جای خود می‌توان درباره علل آن جست‌وجو نمود و مثلاً گفت که تبدیل الفاظ به جهت نقل به معنا بوده است. به هر حال آن چه در کار تصحیح باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که محدثان، باید نخست عین الفاظ به کار گرفته شده توسط راوی را، هر چند که غلط به نظر آید، ثبت کنند و مصححان در زمان عملیات تصحیح، علت برگزیدن الفاظ دیگر را چه در متن و چه در سند، توضیح دهند (دلبری، ۱۳۹۱ ش، ۴۲۳-۴۲۲).

## ۲-۳. روش‌های تصحیح نسخ خطی

از جمله مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تصحیح نسخ خطی عبارت است از: الف- قیاسی؛ ب- انتقادی (اجتهادی)؛ ج- بر مبنای نسخه اساس؛ د- سلیقه‌ای و ذوقی؛ ه- التقاطی. تصحیح انتقادی نسبت به سایر روش‌های تصحیح از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از آن به عنوان علمی‌ترین روش یاد می‌شود. چنان‌که از تصحیح قیاسی نیز به عنوان خطرناک‌ترین روش نام برده شده است؛ زیرا از جمله علل اختلاف و تعارض در روایات، لحاظ کردن قیاس در عملیات تصحیح است (اصغری‌هاشمی، ۱۳۸۸ش، ۲۳-۵۷).

در تصحیح انتقادی (اجتهادی) کهن‌ترین نسخه، نزد غالب مصححان، به عنوان نسخه اساس نام‌گذاری می‌گردد. لذا با قرار دادن نسخه‌ای در برابر نسخه‌ای دیگر (مقابل)، به گونه‌ای که به سخن مؤلف نزدیک بوده و درست‌ترین شکل واژگان انتخاب شود، کار تصحیح انجام می‌گیرد. البته، برای به‌کاربردن چنین روشی (انتقادی) شرط شده است که باید از یک متن، نسخه‌های خطی قابل اعتمادی در دسترس باشد. در حالی که در تصحیح قیاسی، کاملاً عکس این روش، عمل می‌شود. به عبارت دیگر، در تصحیح قیاسی، مصحح با یک متن از یک نسخه خطی روبه‌رو می‌شود، لذا باید خودش را در معرض خطرها و آسیب‌های روش قیاسی ببیند (همان، ۲۳-۵۷).

اگر در تصحیح قیاسی گفته شود، متن با بهره‌گیری از دانش مصحح در زبان، تصحیح می‌شود، یعنی این که متن با زبان، مقایسه می‌شود (همان، ۲۳-۵۷). به عبارت دیگر، اگر مصحح واژه‌ای را صحیح بداند، چون ملاک مقایسه با زبان خودش بوده، آن را درست تشخیص می‌دهد در صورتی که چنین ملاکی نمی‌تواند یک مبنای فراگیر و قطعی باشد. در همین راستا تعریفی که از تصحیح قیاسی شده است، عبارت است از؛ درست و راست کردن (تصحیح متن یا سند) تنها نسخه به جامانده از یک اثر، با استفاده از لغت، زبان، بافت و مسائلی از این دست، به گونه‌ای که بتوان در صحت نسخه به اطمینان و تأیید رسید (مایل‌هروی، ۱۳۷۹ش، ۴۳۰).

به عنوان نمونه، وقتی واژه یا کلمه‌ای در روایت، قابل خواندن نیست و یا اولین راوی، قسمتی را به عنوان به عنوان جای خالی در نظر می‌گیرد، ممکن است دومین راوی با مقایسه کردن، آن جای خالی را پر کند و در ادامه محدثان نیز با بررسی و مقایسه سایر روایات، به همراه در نظر گرفتن تشخیص خود در گزینش (ملاک زبانی)، به تصحیح این گونه روایات پردازند. چنان‌که کتب ابن‌ابی عمیر غالباً بر اساس تصحیح قیاسی مورد توجه قرار گرفته است (دلبری، ۱۳۹۱ش، ۴۱۸).

نمونه‌ای دیگر از نزدیک شدن به عرصه پرخطر تصحیح قیاسی، سخن مجلسی در بحار الأنوار است. ایشان با وجود این که کتاب قرب الاسناد را از اصول معتبر و مشهور می‌داند و اذعان می‌کند که خودش نیز تلاش نموده تا نسخه قدیمی آن را بیابد و در همین راستا نیز توانسته است به نسخه‌ای از قرب الاسناد با خط محمدبن ادریس دست یابد، ولی با استناد به سخن خود ابن ادریس، درباره این قرب الاسناد نقل می‌کند که، اصلی که از روی آن، عملیات استنساخ را انجام داده است، دارای لحن صریح و کلام مضطربی بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۶-۲۷؛ ۴۳: ۱۵۷).

این مطلب بیانگر این است که مجلسی به دنبال تصحیح روایاتی بوده است که با مبانی مذهب، سازگاری نداشته است، ولی از اظهار نظر درباره برخی احادیث، مبنی بر این که تحریف شده‌اند یا دارای غلط و اشتباه‌اند، حتی از جانب مؤلف اصلی، خودداری نکرده است. بنابراین هر چند این اظهار نظر صددرصد نمی‌تواند بیانگر پرداختن به تصحیح قیاسی در کل کتاب‌های علامه مجلسی باشد، ولی گرایش ایشان را به این نوع از تصحیح نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت، چون ضرورت وجود نسخه‌های اصح در نزد مجلسی برای تصحیح، احساس شده بود، وی به تصحیح قیاسی متمایل شده است. به عبارت دیگر، از آن جایی که به طور کلی در صدد جمع‌آوری اخبار بوده است، برای این که بتواند تصحیحی انجام دهد به دنبال منابع دیگری هم بوده است، ولی چون آن‌ها را در منابع و جستجوهایش نیافته، از پرداختن به روش‌های اصولی در تصحیح نسخ خودداری نموده است و تنها در برخی موارد به اظهار نظر پرداخته است.

## ۲-۴. انواع تصحیح در نگاه علی اکبر غفاری

### الف- تصحیح بر اساس نسخه مجاز

در عملیات تصحیح متون حدیثی، نباید هر نسخه‌ای را انتخاب نمود، بلکه باید آنچه ملاک و اساس تصحیح قرار می‌گیرد، «نسخه‌های مُجاز» باشد. نسخه مجاز، عبارت است از نسخه یا نسخه‌هایی که برای شیخ حدیث، قرائت شده و او اجازه داده است. در غیر این صورت، در اصطلاح به آن نسخه بدون اجازه یا نسخه جعل، اطلاق می‌گردد (غفاری، ۱۳۷۹ش، ۱۱۸؛ همو، ۱۳۸۱ش، ۱۲۰). در این رویکرد، ملاک برای انتخاب نسخه‌ای که اساس کار تصحیح قرار می‌گیرد، عبارت است از مقابله توسط علمای معروف و وجود امضا در پایان نسخه. البته اگر اقوال دیگری نیز موجود باشد، از آن‌ها به طور کلی صرف نظر نمی‌شود؛ بلکه در پاورقی می‌آید، مگر این که در نسخه چاپی



اغلاط مشهود باشد و ناشر هم متوجه این مسأله نشده باشد که در این صورت، آن عبارت به طور کلی حذف می‌گردد (غفاری، ۱۳۷۹ ش، ۱۱۸). علی‌اکبر غفاری برای استفاده حداکثری از نسخه‌ها به این شیوه اکتفا نکرده و متذکر می‌شود که اگر در این مراحل، متن چاپی و نسخه خطی، هر کدام به طور مستقل دارای معنا بوده ولی تفاوت داشته باشند، در این صورت اولویت قرار گرفتن در متن، بر اساس نسخه خطی است و نسخه چاپی به پاورقی انتقال می‌یابد (همان، ۱۱۸)؛ لذا براساس اهتمام ایشان در یافتن نسخه مجاز (دارای اجازة و امضاء به جهت مقابله) در انجام عملیات تصحیح، می‌توان گفت، روش تصحیح بر اساس نسخه مجاز، برای وی اولویت داشته است.

### ب- تصحیح اجتهادی

علی‌اکبر غفاری معتقد است مصحح به دلیل لزوم وفاداری به متن، نباید دخل و تصرفی در متن اثر داشته باشد. اما اگر باروش اجتهادی که تسلط و آگاهی مصحح بر دانش حدیث در آن شرط است، قصد بیان نقد یا نظری را داشته باشد، باید آن را در پاورقی بیاورد (غفاری، ۱۳۷۹ ش، ۱۱۸-۱۱۹). این توصیه، به این دلیل است که چون نظرات مصحح در تصحیح انتقادی (اجتهادی) دارای تنوع است و مثلاً شامل درج حواشی، تعلیقات ضروری، توضیح مطالب دشوار، آوردن مراجع و مصادر متن، نقد متن، نقل شواهد برای تقویت متن و مواردی از این دست می‌باشد، نباید به گونه‌ای به درج تصحیح در داخل متن اصلی اقدام کرد که شائبه اختلاط یا از دست رفتن مطالب نویسنده اصلی نسخه به وجود آید.

به نظر می‌رسد در عملیات تصحیح علی‌اکبر غفاری، گزینش دوروش تصحیح، یعنی یکی بر اساس نسخه مجاز و دیگری بر اساس اجتهاد، بسته به نوع متن دارد. زیرا از نظر وی، متون حدیثی به دلیل جایگاه و اثرگذاری در اعتقاد و کردار مردم، نمی‌توانند با هر روشی، تصحیح شوند. این مسأله بیانگر این است که صرف یادگیری روش‌های تصحیح، نمی‌تواند دلیل مناسبی برای ورود به عرصه عملیات تصحیح در متون حدیثی باشد و مثلاً مصحح در ابتدای امر تصمیم بگیرد که با روش مقایسه‌ای یا ذوقی یا سایر انواع روش‌های آموخته شده، جهت تصحیح، وارد متون شود؛ بلکه ابتدا باید به نوع متن و میزان اهمیت و اثرگذاری آن در فکر و عمل مخاطبینش توجه نماید و سپس با رعایت مسائل اخلاقی و شرعی، بهترین و مناسب‌ترین نوع تصحیح را برگزیند. لذا ایشان برای مصححین و محققین یک نوع صداقت و خلوص نیت را سوای از تسلط و مهارت، برای به انجام رساندن درست کار، شرط می‌داند (غفاری، ۱۳۶۹ ش، ۶۲).

## ۲-۵. مراحل تصحیح نسخ خطی

برای تصحیح به روش درست و اصولی، پژوهش‌های متعدد و ارزشمندی صورت گرفته است که به طور خلاصه و بر اساس دو اثر قابل توجه، مهم‌ترین مراحل آن در قالب جدول شماره یک، ذکر می‌گردد (اصغری‌هاشمی، ۱۳۸۸ش، ۲۳-۵۷؛ شبیری، ۱۳۷۹ش، ۳۸-۴۹).

ردیف	مراحل تصحیح:
۱	عدم بسندگی به یافتن چند نسخه در صورت شناسایی نسخه‌ها و مخطوطات.
۲	تصحیح نسخه مناسب و احصاء تمامی نسخه‌های شناسایی شده.
۳	به دست آوردن نسخه اصل، نزدیک به خط مؤلف یا نسخه‌ای که شاگردان از مؤلف جمع‌آوری کرده‌اند.
۴	کنجکاوی نسبت به یافتن نسخه‌های اصیل‌تر برای اعتباربخشی بیشتر.
۵	گزینش بهترین نسخه ممکن برای تصحیح، چه یک نسخه باشد چه ده‌ها نسخه.
۶	یافتن اختلاف بین نسخه‌ها برای فهم و آشکارسازی اثرپذیری مؤلف از اندیشمندان دیگر.
۷	پیدا کردن منابع اختلافی بین کتاب مرجع مؤلف.
۸	مراجعه به کتب متقدم و متأخر حدیثی شیعه و سنی.
۹	مراجعه به کتب لغت و آنچه که به موضوع متن حدیث مربوط می‌شود مانند: فرهنگ‌نامه‌های لغوی، تاریخی، جغرافیا و نسب‌شناسی.
۱۰	آشکارسازی تصحیفات روایی رخ داده، براساس بررسی نسخه‌ها.
۱۱	تسلط و دانش کافی در فهم روند شکل‌گیری خطا و اشتباه در نسخ و اسباب شکل‌گیری انواع تحریف.
۱۲	شناخت و درک اسلوب‌های تعبیر و قواعدی مانند مختصرنویسی انساب، آگاهی از گویش‌های محلی، اعجام، تعریب و مسائلی از این دست.

## ۲-۶. علی اکبر غفاری و گام‌های روش تصحیح متون خطی

استخراج روش علی اکبر غفاری در تصحیح متون حدیثی از خلال آثار و تعلیقه‌های وی بر احادیث و گفت‌وگوهای مکتوب وی با دوستان و شاگردانش قابل شناسایی است. وی با تأکید بر این که حرف به حرف هر حدیث مهم است و حتی در جابه‌جایی حروف

هم باید دقت شود، ضمن آوردن شاهد مثالی در این زمینه معتقد است، حتی به جایگاه یک «واو» و پس و پیش شدن آن نیز باید توجه نمود. به عنوان نمونه، وی در هنگام تصحیح نسخه خراب شده کتاب خصال شیخ صدوق با حدیثی روبه‌رو شده است که بیان می‌کند: سه گروه‌اند که اگر به آن‌ها ظلم نکنی، آن‌ها به تو ظلم می‌کنند: همسر، خادمه و افرادی که در خدمت تو اند. علی‌اکبر غفاری در ادامه اشاره می‌نماید، که وقتی مشغول تصحیح کتاب تحف‌العقول بودم متوجه شدم که این روایت یک «واو» اضافه دارد که با همان، کل معنا عوض می‌شود. یعنی معنا عبارت خواهد بود از این‌که، هرچند تو در حق همسر و خادمه و افرادی که در خدمت تو اند ظلم نمی‌کنی، ولی ممکن است آن‌ها در حق تو ظلم و تجاوز کنند. بنابراین، نتیجه آن نوعی مداراست که جنبه توصیه‌ای و اخلاقی پیدا می‌کند. بنابراین اشتباه راوی در عدم توانایی در رساندن لفظ، آشکار می‌شود<sup>۱</sup> (غفاری، ۱۳۶۵، ش، ۲۷: ۷).

از دیدگاه علی‌اکبر غفاری، در صورت وجود یک نسخه اصل و یک نسخه منسوب، باید نسخه اصل را برای تصحیح انتخاب نمود و از سایر نسخ نیز در برخی موارد استفاده کرد. بر همین اساس، ذکر نسخه بدل‌ها در پاورقی و جهی ندارد و اگر در مواردی با قرائن مشخص شد که عبارت غیر اصل صحیح‌تر است، باید همان را در متن آورد (استادی، ۱۳۸۳، ش، ۱۸۲).

به عنوان نمونه، در تصحیح «من‌لایحضره الفقیه» به چهارده نسخه دارای اعتبار که نشانه‌های صحت در آن آشکار بوده، اعتماد کرده و در همین راستا، به چندین حاشیه و شرح از شروع من‌لایحضره الفقیه نیز مراجعه و استناد نموده است (صدوق، ۱۳۶۳ ش: ۷-۵). غفاری انتخاب این روش را برگرفته از روش اساتید خود، مانند میرزا ابوالحسن شعرانی، محدث ارموی و علامه عبدالحسین امینی می‌داند (غفاری، ۱۳۷۹، ش، ۴۲: ۱۱۹). البته این‌گونه تصحیح، مراحل مختلفی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد؛

## ۲-۶-۱. فراهم کردن نسخه‌های متعدد از یک متن

به اعتقاد غفاری نخستین گام برای تحقیق و تصحیح، فراهم کردن نسخه‌های متعدد است (غفاری، ۱۳۶۹، ش، ۶۲). برای این کار مراجعه به کارشناسان مختلف و کتابخانه‌های

۱. در نسخه‌ای «ثَلَاثَةٌ وَإِنْ لَمْ تَظْلِمَهُمْ ظَلَمُوا» آمده که تنها بیانگر یک توصیه اخلاقی است، یعنی در هر صورت با این سه گروه مدارا کن (ابن‌شعبه، ۱۳۸۹، ش، ۱: ۹۱)، ولی در نسخه‌ای دیگر «ثَلَاثَةٌ إِنْ لَمْ تَظْلِمَهُمْ ظَلَمُوا» آمده که بدون «واو» است و بیانگر یک حکم است، یعنی مواظب خودت باش و به آن‌ها فشار بیاور (صدوق، ۱۳۸۲، ش، ۱: ۱۳۴).

گوناگون و تا حد امکان، نسخه‌های متعدد لازم است. در این راستا، فردی که به تصحیح و تحقیق می‌پردازد، باید به اندازه‌ای از مهارت برخوردار باشد که بتواند با مشاهده نسخه‌های متعدد از نسخه‌ی انتخابی، صحیح‌ترینش را تشخیص دهد.

## ۲-۶-۲. در جست‌وجوی صحیح‌ترین نسخه (نسخه مجاز)

از دیدگاه علی‌اکبر غفاری، روش برخی از پژوهشگران و محققانی که الگوی تحقیق اروپایی را برای بازسازی و احیاء نسخ فرهنگی انتخاب نموده‌اند، استفاده از کهن‌ترین نسخه است. کهن‌ترین نسخه مناسب، معمولاً نزدیک به عصر نگارش نسخه است. البته چون باید چنین نسخه‌هایی در دسترس محققان باشد، قدمت نسخه‌ها امری نسبی است. روش کار ایشان هم در ابتدا به همین شکل بوده است، ولی پس از مدت کوتاهی متوجه می‌شوند که شیوه و روش کامل و همه‌جانبه‌ای نیست. علاوه بر این‌که استفاده از روش محققان و مصححان اروپایی، برای نسخه‌ها و متون روایی اسلامی شایسته نیست؛ زیرا در برخی موارد، روایاتی از متون مورد نظر، در کتاب‌های عالمان و پژوهشگران، از لحاظ صحت و درستی مشاهده می‌شود که حتی در قدیمی‌ترین نسخه در دسترس محقق نیز یافت نمی‌شود (غفاری، ۱۳۶۵، ش: ۲۷؛ ۸؛ همو، ۱۳۶۹، ش: ۳؛ ۶۰). این‌جاست که علی‌اکبر غفاری به این استنباط می‌رسد که صحیح‌ترین نسخه، همان نسخه مجاز یا نسخه‌ای است که بر شیخ حدیث عرضه شده و او آن را امضا کرده است.

به منظور آشکارسازی اهمیت، دقت و شیوه کار در نزد علی‌اکبر غفاری در قرار دادن نسخه مجاز، به عنوان مطمئن‌ترین روش در عملیات تصحیح متون حدیثی، بخشی از مقدمه تصحیح شده از کتاب «منتقى الجمان» شهیدثانی، تحت عنوان «وَصِفَ النَّسْخِ الَّتِي قُوِيَ بِهَا» به عنوان نمونه آورده می‌شود:

الف: «نُسَخَةٌ نَفِيسَةٌ حَسَنَةُ الْحَطِّ الْمَتَوَسِّطَةِ فِي الصَّحَّةِ مَقْرُوءَةٌ مُقَابِلَةً مِنْ أَوَّلِ الْكِتَابِ إِلَى آخِرِ الصَّلَاةِ لَمْ يُؤْرَخْهَا كَاتِبُهَا وَلَمْ يَذْكَرْ تَارِيخَهَا لَكِنْ فِيهَا كَثِيرٌ مِنْ تَعَالِيقِ الْمُؤَلِّفِ مُمَضَاةٌ بِد «منه مَدَّ ظِلُّهُ» فَالظَّاهِرُ مِنْهَا أَنَّ كِتَابَتَهَا كَانَتْ فِي حَيَاةِ الْمُؤَلِّفِ، تَقَعُ فِي ۳۹۲ صَفْحَةً بِطَوْلِ ۲۵ سَمِّ فِي عَرْضِ ۱۷ سَمِّ، طَوْلُ كِتَابَتِهَا ۱۰/۵ فِي عَرْضِ ۱۹ كُلُّ صَفْحَةٍ ۲۳ سَطْرًا وَ هِيَ لِخِزَانَةِ كُتُبِ الْمَرْحُومِ الْأَسْتَاذِ مِيرِ جَلَالِ الدِّينِ الْإِرْمَوِيِّ الْمُشْتَهَرِ بِالْمُحَدِّثِ». ب: «نُسَخَةٌ ثَمِينَةٌ جَيِّدَةٌ الْحَطِّ لَكِنْ لَيْسَ لَهَا أَثَرُ الْمُقَابِلَةِ وَ إِنِ اسْتَدْرَكَ الْكَاتِبُ فِي هَامِشِهِ بَعْضُ مَا سَقَطَ مِنْ قَلَمِهِ وَ هِيَ نَاقِصَةٌ مِنْ أَوَائِلِهَا وَ رِيقَاتٍ وَ فِي آخِرِهَا مِنْ أَوَّلِ كِتَابِ الْحَجِّ إِلَى أَوَاخِرِ كِتَابِ الذَّبْحِ وَ النَّحْرِ تَنَاهَزَ ۳۵۰ صَفْحَةً، كَاتِبُهَا - كَمَا سَطَرَ فِي

آخرها - عبدالله بن ربیع الحویزای، تاریخها سلخ شهر شعبان المعظم من سنة إحدى و ثلاثین بعد الالف من الهجرة النبویة. تقع فی ۸۰۰ صحيفة طولها ۲۵ سم فی عرض ۱۹ سم کتابتها ۱۸×۱۱ سم کلُّ صفحة ۱۸ سطرًا، و هذه النسخة أيضا لخزانة المرحوم الأستاذ المحدث، تفضل بهما خلفه الصالح الفاضل، حليف الصدق، الأخ الأعز السيد علي المحدث - أدام الله تأييده-».

ج: «نسخة نفيسة صحيحة ثمينة مقروءة مُقابله مُحشاة بحواشٍ غالبيتها من المؤلف لـ» کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» و هی من الكُتب التي إهداها الاستاذ المرحوم السيد محمد المشكاة. رقمها ۶۹۷ تقع ۵۰۲ صفحة طولها ۲۶ سم فی عرض ۱۹ سم، طول کتابتها ۱۶ سم فی عرض ۱۱ كلُّ صفحة ۲۱ سطرًا من أول الكتاب الى تمام الصلاة، تاريخها ۱۰۳۳، كاتبها صقر بن فضل السهلاني الجوزري. و حصلت لي هذه النسخة بعد خروج كراريس من الطبع حدود خمسين صحيفة».

د: «نسخة متوسطة في الصحة جيدة من حيث الكتابة لـ» کتابخانه ملی ملک تهران» تحت رقم ۲۷۷۲، تقع فی ۵۲۹ ورقة طول الصفحة ۲۷ سم، طول الكتابة ۲۰ فی عرض ۱۱ سم ناقصة من أول ورقة و فی آخرها من أواخر باب رمي الجمار الثلاث الى آخر كتاب الحج فلذا لا يمكن الاطلاع على كتيها و لا تاريخها. و عندنا من النسختين الأخيرتين صورتها الفوتوغرافية لا أصلهما» (ابن شهيدثاني، ۱۳۶۲ش، ۱۷-۲۳).

## ۲-۶-۲-۱. راه کاری برای تصحيح، در صورت نبود نسخه مجاز

اگر نسخه مجاز یافت نشود، باید به دنبال نسخه‌های متعدد از مراکز مختلف در داخل و خارج بود، تا جایی که محقق و مصحح، مطمئن شود آنچه یافته و در دسترس او قرار دارد، از روی یک نسخه واحد استنساخ نشده است. پس از مراجعه به نسخه‌های متعدد لازم است یکی را متن اصلی قرار دهد و سایر نسخه‌ها را با آن مقابله کند. به عنوان نمونه، وی در تصحيح کتاب «الإختصاص» (منسوب به شيخ مفيد) در زمانی که نسخه مجاز در دسترسش نبوده، از این شیوه و روش استفاده نموده و به خوانندگان اطمینان داده است که آنان می‌توانند یقین کنند که «الإختصاص» با وجود نداشتن نسخه مجاز، از اصالت برخوردار است. زیرا با اتخاذ این روش، مشخص می‌شود که تنها نسخه موجود نبوده است و نسخه‌ای از آن نزد شيخ حر عاملی و نسخه‌ای نیز نزد مجلسی بوده است (غفاری، ۱۳۸۱ش، ۱۲۷؛ ۱۱۴-۱۲۰).

## ۲-۶-۳. استفاده از کتب روایی دیگر (اعم از شیعه و سنی)

از دیدگاه علی اکبر غفاری، نباید تصور شود که با انتخاب نسخه صحیح‌تر، دیگر نیازی نیست که به بررسی سایر کتبی که احتمال دارد روایاتی را از نسخه مورد بررسی داشته باشند، پرداخته شود؛ زیرا زیرا ممکن است در نسخه ما، مشکل غیر قابل حلی، مثلاً از جهت افتادگی یا نگارش بد، وجود داشته باشد که با مراجعه به سایر کتب، قابل حل است. در این راستا بررسی و مراجعه به کتب روایی اهل سنت نیز خالی از فایده نیست. ناقلان اهل سنت، وقتی روایتی از ائمه (ع) نقل می‌کنند، ناظر و حاکی از این است که معصوم (ع) از قول نبی مکرم (ص) نقل فرموده است. پس معصوم (ع) در هر صورت، یک راوی محسوب شده است. برای همین است که وقتی شخصی مانند سکونی روایتی را به عنوان سخن امام صادق (ع) نقل می‌کند، می‌توان آن را در کتب حدیثی اهل سنت از شخص سکونی و یا واسطه‌های دیگر، از قول نبی مکرم (ع) یافت و در نهایت با مقایسه آن روایات، صحیح‌ترین آن‌ها را گزینش کرد (غفاری، ۱۳۶۹، ش، ۶۰-۶۱).

در این راستا به جهت تأیید و سند دار کردن احادیث «من لایحضر الفقیه»، به آوردن نمونه‌هایی از کتب دیگر صدوق، همراه با مراجعه به کتب اهل سنت برای یافتن نمونه‌هایی دیگر اقدام نموده است.<sup>۱</sup>

## ۲-۶-۴. استفاده از مصادر و منابع نخست و متقدم

در تصحیح، ضروری است که علاوه بر دیدن نسخه‌های دیگر آن متن، به مصادر و منابع آن نیز رجوع نمود. مثلاً در مواردی که به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌شود، مصحح باید به سراغ آن آیات برود و در قبل و بعد آن‌ها تأمل و دقت نماید؛ زیرا ممکن است میان نقل قول و یا بیان حکم، خلطی صورت گیرد که با هدف متکلم در تعارض باشد. مثلاً اگر عبارت «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (القصص: ۷۶) در نسخه‌ای یافت شود معنا ممکن است به این شکل القا شود که خداوند به نبی مکرم (ص) امر نموده است، استفاده از دنیا را فراموش نکن! ولی با مراجعه به منبع اصلی و تأمل در سیاق، مشاهده می‌شود که اولاً این یک نقل قول از جانب قوم حضرت موسی (ع) به قارون است و ثانیاً بیان حکم نیست (القصص: ۷۶-۷۷؛ مردی، ۱۳۹۴، ش).

۱. نمونه‌های حدیثی از علل الشرایع در (صدوق، ۱۳۶۳، ش، ۲: ۱۹۱؛ ۲۰۳، ۲۹۳، ۳۳۲، ۳۷۳ و ...): نمونه‌های حدیثی از ثواب الأعمال در (همان، ۱: ۲۳۹، ۴۷۵؛ ۲: ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱ و ...): نمونه‌های حدیثی از خصال در (همان، ۲۰۱، ۲۱۷، ۴۹۱ و ...): نمونه‌های حدیثی از معانی الأخبار در (همان، ۵۷۹، ۵۰۹، ۱۹۸) و نمونه‌ی حدیثی از عیون أخبار الرضا در (همان: ۵۸۳): نمونه‌ی روایی از صحیح مسلم در (همان، ۳۳۹) و سنن ابوداود (همان، ۴۲۳).

غفاری حساسیت شدیدی، در نقل قول‌ها به ویژه نقل آیات قرآن کریم داشت و تأکید می‌کرد که باید به متن مصحف شریف مراجعه نمود و هرگز به حافظه اکتفا نکرد. فراوان دیده شده به طور ناقص به آیاتی از قرآن استناد شده که اساساً چنین نبوده است و سالیانی متمادی، مورد استناد واقع شده است (غفاری، ۱۳۶۹، ش، ۶۳).

بر اساس همین رویکرد، وقتی به «تفسیر تیبان» در تصحیحات ایشان اشاره می‌شود یعنی به «تفسیر طبری» که اساس آن محسوب می‌شود، مراجعه شده و برای تصحیح تفسیر طبری، دیوان تمامی شاعرانی که طبری از آن‌ها نقل قول نموده، مورد توجه بوده است (غفاری، ۱۳۶۹، ش، ۶۰-۶۱). لذا کار مقابله در این‌جا منجر به بسندگی در مراجعه به سایر نسخ تفسیر طبری نشده است.

## ۲-۶-۵. استفاده از نظر دانشمندان و متخصصان

از دیدگاه علی‌اکبر غفاری روحیه تواضع، برای دریافت دانشی که در تخصص مصحح و محقق نیست ولی برای انجام عملیات تصحیح به آن نیاز است، لازم است. رعایت این مسأله باعث می‌شود، تصحیح از قوت برخوردار شده و قابل اعتماد باشد (غفاری، ۱۳۶۹، ش، ۶۰-۶۱). بر همین اساس است که وی وقتی با مطالب بسیار مشکل علمی در شرح اصول کافی روبه‌رو می‌شود از طباطبایی درخواست می‌کند تا توضیحاتی بر آن بنویسد که در پاسخ، توضیحات خویش را همراه با امضاء ارائه می‌دهند (غفاری، ۱۳۶۵، ش، ۲۷-۲۸-۹).

## ۲-۶-۷. استفاده از کتب گوناگون، هم‌راستا با متن

یکی دیگر از روش‌های کار علی‌اکبر غفاری، برای تقویت عملیات تصحیح و یا تبیین و توضیح بیشتر متن، مراجعه به کتبی است که در امر تصحیح می‌توانسته سودبخش باشد. به عنوان نمونه برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- شروح<sup>۲</sup>: استفاده از شروح ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم بحرانی برای تصحیح نهج‌البلاغه یا من‌لایحضره الفقیه؛

۲- کتب لغت و غریب‌الحديث<sup>۳</sup>: مانند لسان‌العرب ابن‌منظور، قاموس اللغه

۱. و یا نمونه‌های دیگر (ن.ک: کلینی، ۱۳۸۲، ش، ۱: ۱، ۳-۶؛ ۲: ۴۳۴؛ ۱۱: ۱۳۹-۱۴۰؛ ۱۲: ۴۴۶؛ رازی، ۱۳۹۸، ق، ۸: ۳۲۴-۳۳۸).

۲. (صدوق، ۱۳۶۳، ش، ۱: ۳۲۱؛ ۴: ۴۸۲، ۵۹۰؛ ۱: ۶۰۶).

۳. ایشان در معنای «الإذخر» - بکسر الهمزة والخاء - نبات معروف، ذکى الرائحه و إذا جفّ أبيض، دلالت خیر را با توجه به فضای کلی کلام معصوم (ع) و نیز فرهنگ لغت این‌گونه مشخص نموده است: «يَدُلُّ الخبرِ على إستجابِ الإجتنبِ مِن غَسْلِ اليَدِ بالإذخِرِ» (این خبر دلالت دارد بر دوری از شستن دست

فیروزآبادی، النهایه ابن اثیر، مصباح المنیر فیومی، الفائق زمخشری و الصحاح جوهری، برای تبیین و رفع ابهام واژگان دشوار؛

۳- کتب حدیثی<sup>۱</sup>: مانند الکافی، من لایحضره الفقیه، الإستبصار، تهذیب الأحکام، المحاسن، بحار الأنوار، الغدیر، عیون أخبار الرضا (ع)، معانی الأخبار، التوحید، ثواب الأعمال، الخصال، الأمالی (از شیخ طوسی و نیز از شیخ مفید)؛

۴- رجالی<sup>۲</sup>: رجال نجاشی، کشی، الفهرست طوسی، خلاصه الرجال، معجم الرجال و تقریب التهذیب ابن حجر عسقلانی از جمله کتبی هستند که برای تقویت امر تصحیح به آن‌ها مراجعه شده است؛

۵- تاریخی<sup>۳</sup>: تاریخ الخطیب، تاریخ یعقوبی، الكامل فی التاریخ ابن اثیر، اعلام الوری طبرسی و تاریخ العلما بأخبار الحکما قفطی، نمونه‌هایی از کتب تاریخی و سیره مورد استفاده ایشان است؛

۶- تفسیری<sup>۴</sup>: مانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی، کشاف زمخشری، ابوالفتوح رازی، منهج الصادقین ملافتح الله کاشانی؛

۷- فقهی و اصولی<sup>۵</sup>: الذکری و نیز الدروس محمدبن مکی عاملی (شهید اول)، مسالک الألفهام زین الدین احمدبن علی عاملی (شهید ثانی)، تذکره الفقهاء حسن بن یوسف بن المطهر

با اسفند (مستحب است که از شستن دست با مایعی که در آن اسفند است در حالت احرام دوری شود) و یا کلمه «الخمیصه» در باب موضوع پارچه یا لباسی که سوال می‌شود احرام بستن با آن جایز است یا خیر، به کار رفته است. لذا مصحح در معنای آن می‌نویسد: «کَسَاءٌ أَسْوَدٌ مُرْبَعٌ لَهُ عَلَمَانِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مُعْلِمًا فَلَيْسَ بِخَمِيصَةٍ» (الصحاح). (پوشش سیاه چهارگوش (دارای دو پرچم) که اگر دارای نشان نباشد خمیصه محسوب نمی‌شود) (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۳۳۹؛ و در معنای یتجر، ن. ک: همان، ۴: ۱۹۴).

۱. به عنوان نمونه، اگر حدیثی در تهذیب الأحکام آمده باشد در صدد است تا آن را در الکافی که از لحاظ تاریخی مقدم است نیز بیاید (غفاری، ۱۳۶۹ ش، ۲۷: ۸). یا برای تصحیح حدیثی که در نسخه الإستبصار بوده به سایر نسخ (اعم از الإستبصار و سایر کتب حدیثی) مراجعه شده است. علاوه بر این که جهت سهولت کار پژوهشگران، موارد اختلاف هم توسط مصحح یادآوری می‌شود. لازم به ذکر است که در این زمینه، علی اکبر غفاری، نشانی روایات را بر اساس چاپ‌هایی که توسط خودشان انجام شده است، ارائه داده‌اند؛ نه بر اساس چاپ کتب توسط سایر مصححان (غفاری، ۱۳۷۹ ش، ۱۲۷-۱۲۸).

۲. (ن. ک: صدوق، ۱۳۶۹ ش، ۱: ۶-۱۰) و نیز به عنوان نمونه، فردی با نام «سیف بن عمیره» این گونه معرفی می‌شود: «بِقِتْحِ الْعَيْنِ - النَّخَعِي الْكُوفِيُّ، وَتَقَّهَ الشَّيْخُ فِي الْفَهْرَسْتِ وَالْعَلَامَةِ فِي الْخُلَاصَةِ وَابْنُ شَهْرٍ أَشْرَبَ فِي الْمَعَالِمِ غَيْرَ أَنَّ الْأَخِيرَ قَالَ بِوَقْفِهِ، وَقَدْ حُكِيَ عَنِ الشَّهِيدِ (ره) أَنَّهُ قَالَ فِي شَرْحِهِ عَلَى الْإِرْشَادِ: «رُبَّمَا ضَعُفَ بَعْضُهُمْ سَيِّئًا وَالصَّحِيحُ أَنَّهُ ثِقَةٌ» وَلَهُ كِتَابٌ وَالطَّرِيقُ إِلَيْهِ فِيهِ الْحَسِينُ بْنُ سَيْفٍ وَهُوَ مُهْمَلٌ» (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۴: ۴۹۲).

۳. در معرفی محمدبن زکریا الْمُتَطَبِّبُ الرَّازِي (ن. ک: صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۱: ۲).

۴. (ن. ک: صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۴۲۱).

۵. (ن. ک: ابن صدوق، ۱۳۶۹ ش، ۲: ۴۳ و ۶۱: ۳، ۱۱۳، ۱۲۰: ۶، ۲۴۱: ۱۶۴، ۳۵).



(علامه حلی) المختصر النافع شیخ نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی الحلی (محقق حلی)، مدارک الأحکام سید محمد موسوی عاملی، نمونه‌هایی از کتب هم‌راستا با متن حدیثی هستند که برای تصحیح و تحقیق قوی‌تر، استفاده گردیده است.

## ۲-۶-۸. مشخص کردن زیاده با نقصان در حدیث

یکی از تلاش‌هایی که مرحوم غفاری در تصحیح متون حدیثی انجام داده است، روی آوردن به مقایسه احادیث به منظور مشخص کردن اضافات یا کاستی‌های حدیثی است. به عنوان نمونه در باب تأخیر زیارت، یک‌بار از صدوق از قول امام صادق (ع) نقل می‌کند: «لا بأس بأن تُؤخَّر زیارة البیت الی یوم النَّفَر»؛ (باکی نیست اگر حاجی زیارت خانه خدا را تا روز نفر (روز بازگشت از منی به مکه) به تأخیر اندازد) (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۳۸۸). و بار دیگر از شیخ طوسی در تهذیب چنین نقل نموده است: «إِذَا أُسْتَحَبَّ پیشامدها شتاب شود) (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ۵: ۲۵۰)، تا مشخص شود این قول از معصوم (ع) دارای یک زیاده در تهذیب الأحکام، نسبت به من لایحضر الفقیه است.

## ۲-۶-۹. مقدمه‌نویسی

از جمله کارهای مهمی دیگری که مصحح می‌تواند با استفاده از آن به غنا و اعتبار تصحیح خود بیفزاید، نوشتن مقدمه‌ای رسا و قابل استناد همراه با نوآوری‌های لازم و تنظیم و تدوین اثرگذار، جهت درک بهتر نسخه مورد استفاده است. علی‌اکبر غفاری در این راستا تلاشی قابل توجه انجام داده است.<sup>۱</sup>

## ۲-۶-۱۰. تعلیقه‌نویسی

تعلیقه‌نویسی نتیجه‌ی پژوهش‌های یک مصحح در زمینه موضوع و محتوای متن است که در عین وفاداری و پابندی به اصول علمی تحقیق و عدم دخل و تصرف در متن اثر، تلاش می‌کند تا اندیشه، هنر و ذوق خود را نیز نشان دهد و حتی در برخی موارد به شرح مشکلات و ابهامات اثر پردازد (منتظری، ۱۳۸۷ ش، ۵۲). موضوعات مورد بحث در تعلیقه‌ها از تنوع بالایی برخوردار است که از جمله آن‌ها می‌توان به شرح و توضیح لغوی و اصطلاحی، بررسی‌های رجالی، روایی، تاریخی، ادبی، عقلی، کلامی اشاره

۱. (ن.ک: مقدمه منتقی الجمان از ابن‌شهدثانی، ۱۳۶۲ ش، ۱۷-۲۳).

نمود. لذا می‌توان در یک نگاه کلی، تعلیقه‌نویسی را هم‌سو و هم‌راستا با تصحیح در نظر گرفت و چه بسا بتوان به عنوان یکی از کارهای مکمل در تصحیح، از آن نام برد. به اعتقاد علی اکبر غفاری حتی اگر متن اصلی دارای اشتباه و غلط باشد هم نباید آن را تغییر داد، مصحح باید در پاورقی آن‌چه را درست تشخیص داده است، بیاورد. تاجایی که بتوان از لحاظ معنوی هم، پاسخگوی مؤلف مرحوم بود. یعنی اگر ناگهان مؤلف مرحوم در جلوی چشمان مصحح حاضر شد و از او بازخواست کرد و گفت که چه حقی داشتید که در کتاب من تصرف کردید؟ مصحح بتواند با خیال آسوده بگوید، من در کتاب شما دخل و تصرفی نداشتم، بلکه فقط در پاورقی به آن‌چه صحیح‌تر به نظر می‌آمد، اشاره کردم. ایشان در این راستا تأیید علامه شعرانی و طباطبایی را نیز ضمیمه شیوه کار خود نموده است و بیان می‌کند که این روش را از علامه امینی آموخته است. البته مهم‌ترین دلیل ایشان غیر از بحث رعایت مسائل شرعی و اخلاقی، حفظ نسخه‌ها و کتاب‌ها بوده است تا احياناً اعمال سلیقه و نظر مصحح باعث نشود تا دیگران نیز با اعمال سلیقه مجدد، از اصل نسخه دور شوند و در نتیجه ناخواسته به نابودی آن دامن زنند (غفاری، ۱۳۷۹ش، ۱۵: ۱۱۸-۱۱۹).

### ۳. نتیجه‌گیری

۱- با توجه به مقایسه معنای تصحیح در نزد بیشتر مصححان با معنای توسعه یافته آن در نزد علی اکبر غفاری، می‌توان گفت که ایشان تصحیح را محدود به مقابله متن با نسخ خطی و اصلاح اغلاط موجود در متن نمی‌داند؛ بلکه شامل مقابله و اصلاح متن از روی نسخه مجاز یا نسخه اساس می‌داند که نیازمند تلاش مصحح برای تبیین هرچه بهتر آن، با استفاده از دانش‌ها و مهارت‌های مختلف لغوی، تفسیری، حدیثی، رجالی و مسائلی از این دست است که به نظر می‌رسد دلیل آن، اهتمام وی به حفظ میراث شیعه و لزوم بهره‌مندی هرچه بیشتر مخاطبان و پژوهشگران است.

۲- علی اکبر غفاری در تصحیح، سبک خودش را داشته و اساس کارش بر پیدا کردن اصح نسخ و نه کهن‌ترین آن‌ها بوده است. به نظر می‌رسد، این انتخاب به دلیل جلوگیری از هدر رفت نسخه‌ها با مضامین عالی بوده که نوعی اجتهاد در انتخاب نسخه اساس، محسوب می‌شود.

۳- مصحح در تصحیح، چون به تفکیک میان متن اصلی و نظر خویش اهمیت داده است، به منظور رعایت امانت، مسائل شرعی و اخلاقی، آزاد گذاشتن مخاطب در فهم

و استدلال و جلوگیری از نابودی نسخه‌ها به واسطه اعمال نظر مصحح، به بیان دیدگاه و نظر خود در پاورقی‌های متون تصحیح شده، پرداخته است و متن اصلی را به حال خود، باقی گذاشته است.

۴- علی اکبر غفاری به عنوان یک مصحح، خود را ملزم دانسته است که علاوه بر پیدا کردن أصح نسخ برای پژوهشگران و مخاطبان متون دینی، به تبیین متن حدیثی نیز بپردازد. در این راستا، وی با شرح لغات مشکل، مشخص نمودن زیاده یا نقصان در حدیث، استفاده از منابع و مصادر معتبر و گوناگون (اعم از شیعه و سنی)، بهره‌گیری از دانش متخصصان علم رجال، حدیث، تفسیر، تاریخ، سیره و سایر دانش‌های مربوط به فهم سند و متن حدیث، در قالب مقدمه، حاشیه و شرح‌نویسی، تعلیقه‌نگاری و پاورقی‌نویسی، اقدام و تلاش چشمگیری در جهت حفظ میراث شیعه انجام داده است.

### منابع

قرآن کریم.

ابن شعبه، حسن بن علی؛ میرزایی، علی اکبر، ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، صالحان، ۱۳۸۹ ش.

ابن شهیدثانی، حسن بن زین الدین، متقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، مصحح و محقق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، بی تا.

استادی، رضا. "روش استاد علی اکبر غفاری (ره) در تصحیح متون". علوم حدیث، ۳۴ (۱۳۸۳): ۱۸۲-۱۸۹.

اصغری هاشمی، محمدجواد، شیوه‌نامه تصحیح متون خطی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ ش.

افشار، ایرج؛ صفری آق‌قلعه، علی، نسخه‌شناخت (پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی)، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۰ ش.

ایزدی مبارکه، کامران، و مجتبی منتظری. "ملاک‌های نقد حدیث از منظر استاد علی اکبر غفاری". پژوهش دینی، ۱۲ (۱۳۸۴): ۱۵۱-۱۷۰.

جهانبخش، جويا، راهنمای تصحیح متون، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۰ ش.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، الکفایه فی علم الروایه، بیروت، دارالکتب، ۱۴۰۹ ق.

دلبری، علی، آسیب‌شناسی فهم حدیث، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.

دلبری، علی، سیدجعفر علوی، و علی اکبر حبیبی مهر. "روش صاحب جواهر در مواجهه با احادیث مصحّف در متن". مطالعات فهم حدیث ۹، ۱۷ (۱۴۰۱ ش): ۱۵۹-۱۸۳. doi:10.30479/mfh.2022.2830

رازی، جمال‌الدین ابوالفتوح، روح الجنان و رُوح الجنان، تصحیح و حواشی: ابوالحسن شعرانی و علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.

شیرازی، محمدجواد. "تصحیح و راه کارهای آن". آینه پژوهش، ۶۱ (۱۳۷۹): ۳۸-۴۹.

صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲ ش.

\_\_\_\_\_، ترجمه و متن کتاب من لا یحضره الفقیه، مصحح و محقق: علی اکبر و محمدجواد غفاری؛ صدرالدین بلاغی، تهران، صدوق، ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ش.

صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

- صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، مصحح و محقق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق و تعلیق: حسن خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
- غروی نایینی، نهلہ. "روش تحقیق، تصحیح و تعلیق استاد غفاری در کتاب من لایحضره الفقیه". پژوهش دینی، ۱۲(۱۳۸۴): ۳۳-۵۲.
- غفاری، علی اکبر. "استاد علی اکبر غفاری احیاگر میراثی از تشیع". کیهان فرهنگی، ۲۷(۱۳۶۵): ۳-۱۰.
- \_\_\_\_\_ "تصحیح و تحقیق متون حدیثی". علوم حدیث، ۱۵(۱۳۷۹): ۱۰۴-۱۲۸.
- \_\_\_\_\_ "گفتگو با استاد علی اکبر غفاری". آینه پژوهش، ۳(۱۳۶۹): ۵۶-۶۵.
- \_\_\_\_\_؛ اسعدی، محمود. چهره‌های ماندگار: استاد علی اکبر غفاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الأصول من الکافی (ترجمه و شرح اصول کافی)، مترجم: محمدباقر کمره‌ای و محمدباقر بهبودی، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
- \_\_\_\_\_، الأصول من الکافی، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأنواء، ۱۴۰۵ ق.
- \_\_\_\_\_، الکافی الأصول و الروضه، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
- مایل هروری، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مدیرشانه چی، کاظم، درایة الحدیث، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۶۲ ش.
- مردی، عباسعلی. "محقق صبور". فرهیختگان تمدن شیعی، ۱۳۹۴ ش، <http://nbo.ir>
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، استادان، ۱۳۵۶ ش.
- منتظری، مجتبی، نقد و تصحیح حدیث از منظر استاد علی اکبر غفاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ ش.
- نجار، محمدعلی، احمدحسن زیات و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، دار الدعوة، ۱۹۸۹ م.
- نفیسی، شادی، و حسین افسردیر. "کاربست بینامتنیت قرآنی در تصحیح متن روایات: مطالعه موردی نهج البلاغه". مطالعات فهم حدیث ۵، ۹(۱۳۹۷ ش)، ۱۲۹-۱۴۸. doi:10.30479/mfh.2018.1435